

چالش اصلی دینداران در دوره معاصر چیست

یک عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) با بیان اینکه صورت و قالب سنتی کلام برای پاسخ به پرسشهای فلسفی کافی نبوده است...



یک عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) با بیان اینکه صورت و قالب سنتی کلام برای پاسخ به پرسشهای فلسفی کافی نبوده است، گفت: با ایجاد تحول در مسائل علمی و فلسفی پرسشها، شبهات و تئوریهای جدیدی در زمینه باورهای دینی مطرح شد، از همین رو کلام سنتی برای پاسخ به این سؤالات، شکل و صورت جدید و متناسب با مسائل امروز پیدا کرد.

دکتر محمد فنایی اشکوری، عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در پاسخ به این سؤال که آیا کلام جدید صرفاً پاره ای مسائل است که در گذشته در علم کلام نبوده یا اینکه کلام جدید ماهیتی فراتر از این دارد، به خبرنگار مهر گفت: ماهیت علم کلام در تبیین و اثبات باورهای دینی و دفاع از آنهاست. در این میان هر چقدر از زمان باورهای دینی می گذرد به تناسب پرسشهای جدیدی مطرح می شود. در واقع ایجاد تغییر در سبک و مدل زندگی در دنیای جدید سبب بروز تغییر در نیازهای انسان شده و به دنبال این موضوع، پرسشهای جدیدی برای او ایجاد می شود، از آنجا که علم کلام حالت پویا دارد و همواره در حال تغییر و بازنویسی است، این سلسله تغییرات باعث می شود تا علم کلام خود را با دانش و معرفت و اندیشه زمانه همراه کند.

وی افزود: در دوره جدید تحولات علمی و فلسفی بسیار چشمگیر بوده است به دنبال این تحولات پرسشها، شبهات، سؤالات و تئوریهای جدید و بی سابقه ای در زمینه باورهای دینی مطرح شد. از آنجا که صورت و قالب سنتی کلام برای پاسخ به این پرسشها و حل مسائل جدید کافی نبود از همین رو خود را با این شرایط و تحولات همراه و شکل و صورت جدیدی پیدا کرد، حتی مسائل و موضوعات قدیم را در قالب جدید گنجاند. در واقع می توان گفت منظور از کلام جدید روزآمدن بودن علم کلام است.

این محقق و پژوهشگر درباره پرسشهایی که در کلام جدید مطرح می شود، گفت: این پرسشها محدود و مشخص نیست بلکه حوزه های گسترده ای را در برمی گیرد. برخی از پرسشها ریشه در تحول علوم دارد. به عنوان مثال ریشه آن در علم زیست شناسی یا علوم طبیعی مثل فیزیک است. در علم فیزیک، سؤالهایی همچون پیدایش هستی و جهان و در زیست شناسی درباره چگونگی زیست و زاد و ولد موجودات بحث می شود. در علم معرفت گرایشهای جدیدی مثل توجه به تجربه دینی پیش آمد. در علوم انسانی و فلسفه پرسشهایی مثل شکاکیتی که در غرب عنوان شده یا مسئله نسبیت معرفت، ادله خداشناسی که از سوی برخی فیلسوفان غربی مثل هیوم و کانت مورد مناقشه واقع شده، مطرح است و متکلم باید برای این مسائل پاسخی تهیه کند.

استاد مؤسسه امام خمینی (ره) درباره تحولاتی که در پی این سؤالات ایجاد شده است، گفت: این قبیل سؤالات در اصل دین و ایمان تأثیری ندارد و تنها در رویکرد ما نسبت به دین و نظام مند کردن تفکر دینی تغییر ایجاد می کند. از جمله این تغییرات در نظام معرفتی ما از دین است. به عنوان مثال برخی به دین رویکرد علمی پیدا کردند و سعی داشتند با استفاده از یافته های علمی سراغ معارف دینی بروند. برخی که متوجه شدند راه های فلسفی به نتیجه نمی رسد و پایانی برای سؤالهای فلسفی نیست به ایمان گرایی بازگشت پیدا کردند و به تجربه های باطنی و درونی روی آوردند. گروهی هم در مسیحیت، اسلام و تسنن و تشیع به متون دینی بازگشتند و با فلسفه ورزی مخالفت کردند. عده ای نیز در هر شرایطی مشی فلسفی خود را دارند. بنابراین شاهد تنوع گسترده ای در گرایش به تفکر دینی هستیم و می بینیم که نگرش واحد و یکسانی وجود ندارد.

فنایی درباره نقش دین در ایجاد این تغییرات گفت: دین موضوع این تغییرات است. حقیقت دین امر ثابتی است، به ویژه در اسلام که ما متن معتبر و تغییرناپذیری داریم. محتوای دین هیچ گاه دچار تغییر نمی شود بلکه این سرشت و معرفت آدمی است که در حال تغییر است، از همین رو آدمی می کوشد تا فهم جدید و بازفهم جدید از دین پیدا کند و دین را با دنیای جدید به تناسب و سازگاری برساند تا علاوه بر حفظ دیندار بودن خود، بتواند در دنیای جدید نیز زندگی کند. در واقع چالش اصلی دینداران در دوره معاصر این است که از یک سو بتواند به لحاظ معرفتی باور دینی اش را در دنیای جدید جا بدهد و از سوی دیگر در سبک و سیره زندگی خود، بین زیستن در دنیایی که متحول شده با دینداری یک نوع هماهنگی ایجاد کند.